

## چرا کمیته های کارگری

[komiteyekargari@yahoo.com](mailto:komiteyekargari@yahoo.com)

مدتی است که بحث پیرامون تشکلات کارگری بالا گرفته و چند تشکل نیز شکل گرفته و یا در شرف شکل گرفتن هستند. یکی از این موارد مسئله کمیته های کارگری است. پیشروان کارگری اقدام به تشکیل چند کمیته کرده اند و مانیز در این راستا اتحادی از کمیته های کارگری تشکیل دادیم. یکی از بحثهایی که پیرامون کمیته های کارگری شکل گرفته، مقایسه آن با شوراهای کارگری و اثبات برتر و کاملتر بودن شوراهای بمتابه تشکلاتی فراگیر و دمکراتیک است. بعبارتی دیگر این بحث که کمیته های کارگری یا شوراهای کارگری، به کدامیک باید بها داد؟ در جهت ایجاد کدامیک باید تلاش کرد؟

بحث مدافعان ایجاد شوراهای کارگری، عموماً از این زاویه انجام می شود که ثابت کنند شوراهای کارگری تشکیلاتی است دمکراتیک و در عین حال کامل بدلیل اینکه تمامی کارگران دست اندر کار آنند، خودشان آنها را انتخاب می کنند، نمایندگان واقعی کارگران در آنها حضور دارند و در نهایت حتی می توانند جامعه ای را رهبری بکنند و در رأس آن قرار بگیرند. اما کمیته های کارگری بسیار محدودترند و انتخابی نیز نیستند. عده ای از کارگران با اهدافی مشخص و در مواردی ناشناخته برای دیگر کارگران که تفاوت بسیاری با شوراهای کارگری دارند. کمیته های کارگری نماینده تمام کارگران محیط کاری و یا جغرافیایی خود نیستند. در شرایطی که جنبش اوج می گیرد و فراگیر می شود، کمیته های کارگری نمی توانند در رأس جنبش قرار بگیرند و عملاً "نمایندگان این جنبش نیستند، اما شوراهای از دل مبارزات کارگری و در نتیجه رشد مبارزات شکل می گیرند و تکامل می یابند. شوراهای تشکلاتی فراگیرند که کل طبقه کارگر را نمایندگی می کنند و حتی قادرند تبدیل به ساختار سیاسی جامعه گردند.

بنابراین بین کمیته های کارگری و شوراهای کارگری تفاوت های زیادی وجود دارد و در تمام موارد ذکر شده، که در مورد آنها مدتها می توان صحبت کرد، همه به نفع شوراهای است و کمیته های کارگری اصلاً قابل مقایسه با شوراهای کارگری نیستند.

پس چرا ما کمیته های کارگری ایجاد کردیم؟ و در جهت ایجاد شوراهای کارگری ظاهرأ "گامی بر نمی داریم؟ آنچه که ما را بر آن داشت که کمیته های کارگری ایجاد کنیم، شرایط و سطح جنبش کارگری است. به این معنا که واقعیات گفته شده در بالا برای ما مبرهن است، اما سطح جنبش کارگری و مجموعه شرایط جامعه این امکان را

به طبقه کارگر نمی دهد که شوراهای خود را، مگر در مواردی بسیار نادر، ایجاد کنند. بنابراین در چنین شرایطی که هنوز جنبش کارگری به مدارج بالایی نرسیده است و توان ایجاد شوراهای کارگری را ندارد، پیشروان کارگری که بشکل پراکنده و معدود در تعدادی از کارخانجات حضور دارند، چگونه می توانند به سازماندهی مبارزات بپردازند و در آنها نقش بهتری ایفاء نمایند. آیا چاره ای بجز این است که این فعالین با گردآمدن و تقسیم کار و تبلیغ برنامه ریزی شده در این جنبش شرکت بکنند؟ ما فکر می کنیم از همینجاست که کمیته های کارگری ضرورت پیدا می کنند. در واقع "کمیته های کارگری" محصول شرایط حاضر هستند و تشکلی برای همه دوره های مبارزه طبقه کارگران نیستند. این تشکلات با رشد مبارزات کارگری و رسیدن به مدارجی که جنبش کارگری قادر باشد شوراهای سراسری خود را ایجاد کنند (مثل سال ۵۷ در ایران و انقلاب ۱۹۱۷ در روسیه) رنگ می بازند و ضرورت خود را از دست می دهند.

اما در شرایط حاضر یعنی شرایطی که طبقه کارگر فاقد هرگونه تشکل وسیع و رادیکالی است کمیته های کارگری یکی از تشکلاتی است که تا حدودی می توانند، خلاء موجود را پر کنند.

از سوی دیگر کمیته های کارگری بمثابه ظرفی هستند که می توانند در جهت ایجاد شوراهای کارگری بموافقت رشد جنبش کارگری، بستر سازی نمایند. در واقع کمیته های کارگری نه تنها تضادی با شوراهای کارگری ندارند، بلکه با تاثیر گذاشتن و تاثیر پذیرفتن از جنبش کارگری روند ایجاد شوراهای کارگری در آینده را هموارتر می نمایند.

در شرایطی که ما فعالین جنبش کارگری تعداد معدودی هستیم و سطح مبارزات کارگری و فضای پلیسی این اجازه را بما نمی دهد که شوراهای کارگری را ایجاد نماییم، به راستی ما چه باید بکنیم؟ چه راه حلهای عملی پیش روی ما است؟ آیا با گفتن شوراهای کارگری و بحثهای نظری پیرامون آن میتوان واقعیات را نادیده گرفت؟ ما فکر می کنیم که باید واقع بین بود. و گام به گام بر روی جنبش کارگری تاثیر بگذاریم و سعی کنیم به رشد و ارتقاء آن کمک بکنیم. کمیته های کارگری در شرایط حاضر می توانند نقش زیادی در رابطه با مبارزات کارگری ایفاء بکنند و زمینه های رشد و گسترش را کم کم پیدا بکنند. کمیته های کارگری با توجه به انعطاف پذیری خود یعنی شکلهایی محلی و یا مربوط به یک کارخانه و یا چند کارگاه و غیره ارتباط بیشتری بین فعالین بوجود می آورد و میتواند بشکل سازماندهی شده و منظم در مبارزات خود بخودی شرکت کند و عده ای بیشتر از کارگران را جذب مبارزه عملی نماید.

ایجاد و رشد کمیته های کارگری با دیگر اشکال سازماندهی کارگران تناقضی ندارد و هر جا که کارگران اشکال دیگری از مبارزه را انتخاب نمایند، کمیته های کارگری می توانند ضمن حفظ شکل خود فعالانه در دیگر تشکلات نیز نقش ایفاء نمایند. واقعیات یکساله گذشته نیز نشان داده که فعالین کارگری بیش از پیش "کمیته های کارگری" را تشکل مناسب برای شرایط حاضر دیده اند و اقدام به ایجاد آن نموده اند. تعداد کمیته های کارگری روبه فزونی است و جدای از رشد کمی این کمیته ها توانسته اند نقش بیشتری در جنبش کارگری ایفاء نمایند و این چشم انداز نیز وجود دارد که هر چه بیشتر در جنبش کارگری و سمت و سو دادن آن نقش ایفاء نمایند. کمیته های کارگری طی یک پروسه قادرند در طبقه کارگر ریشه بدوانند و فعالیت را از شکل محفلی تبدیل به یک گرایش کارگری نمایند.

یکی دیگر از ویژگی های کمیته های کارگری، که با شرایط کنونی مطابقت دارد، عدم امکان ایجاد تشکلات سراسری است. در شرایط کنونی که تشکلات سراسری بدلیل فضای خفقان امکان شکل گیری ندارند، کمیته های کارگری که مختص هر کارخانه، منطقه و یا غیره هستند، تشکلی است که با شرایط مطابقت داشته و درعین حال ضمن جدایی می توانند در ارتباط و تأثیر متقابل با یکدیگر نیز باشند. گسترش کمیته های کارگری توان مبارزاتی طبقه کارگر را افزایش می دهد و هر چه بیشتر آنرا منسجم و پویا می کند. با افزایش تعداد کمیته های کارگری ضربه پذیری آنها نیز کاهش می یابد و حتی می توانند به سمت علنی گرای و فراگیر شدن بیشتر حرکت نمایند، بنابراین هرچه بیشتر باید کمیته های کارگری را تقویت کرد، باید آنها را بمثابه تشکلاتی که میتوانند مبارزات را سازمان دهند دید.

کمیته های کارگری حتی می توانند در نهایت و در افق دید، زمینه هایی باشند برای ایجاد تشکیلات فراگیر طبقه کارگر. تشکیلاتی که طبقه کارگر در آن منسجم و قدرتمند حضور داشته باشد و در تقابل با سرمایه داران از قدرت کافی برخوردار باشد. برای رسیدن به آن مرحله تشکیل هر کمیته کارگری و یا تقویت آنها گامی است برای رسیدن به آن مرحله.